

## گل نوشته دوران آغاز ایلامی شهر سوخته

دکتر سید منصور سید سجادی

عضو هیأت علمی مؤسسه شرق شناسی ایتالیا (IS.I.A.O)

### چکیده

گل نوشته شهر سوخته از طبقه دهم استقرار این شهر، که قدیمی ترین طبقه آن محسوب می گردد، به دست آمده و از نوع خطوط پروتو-ایلامی است که تاکنون به درستی کشف و خوانده نشده اند. وجود این نوع خط در شهر سوخته حکایت از ارتباط این محوطه با تمدنهای لبه غربی فلات ایران، خصوصاً ایلام در اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم ق.م دارد.

گل نوشته های پروتو-ایلامی بجز شوش و خوزستان، که مرکز اصلی آنهاست، از جاهای دیگری مانند تپه بچی، ملیان و سیلک نیز به دست آمده است. این گل نوشته ها که بیشتر آماری-اقتصادی هستند، در امور مربوط به پرداخت جیره و گرفتن آمار کارگران و محصولات به کار گرفته می شوند.

در حال حاضر تنها یک گل نوشته از نوع آغاز ایلامی از شهر سوخته به دست آمده است؛ اما این محوطه که خود مرکز ایالت بزرگی بوده، باید دارای یک بایگانی از خطوط و نوشته، چه از دوره آغاز ایلامی و چه از دوره های دیگر باشد که امید است در حفاریات آینده بتوان به آنها دست یافت.

گل نوشته شهر سوخته دارای دو علامت کنده شده در سمت راست و پنج علامت معادل رقم ۵ در سمت چپ

این علامتهاست.

## مقدمه

یک شیء کوچک گلی ذوزنقه و مزین به چند علامت را شاید بتوان از بامعناترین و مهم‌ترین اشیاء پیداکننده توسط باستان‌شناسان ایتالیایی در سالهای پیش از انقلاب در محوطه باستانی شهر سوخته دانست. این شیء، گل‌نوشته‌ای به خط دوران آغاز ایلامی<sup>(۱)</sup> است که در هفتمین فصل کاوش، در سال ۱۳۵۳<sup>(۲)</sup> در بخش مسکونی شرقی این شهر پیدا شده است. گل‌نوشته‌های دوران آغاز ایلامی در نقاط مختلفی در فلات ایران به دست آمده‌اند. جز از شهر سوخته سیستان و شوش خوزستان، که نخستین و بیشترین گل‌نوشته‌ها در آنجا پیدا شده است، در سیلک کاشان، ملیان فارس و تپه‌ی حیای کرمان نیز تعداد قابل توجهی از این گل‌نوشته‌ها پیدا شده و در تپه حصار دامغان نیز تعدادی لوحه نانوشته از همین دوران دیده شد، است.

## بحث و نظر

حدود صد سال پیش، ژاک درگان سرپرست فرانسوی کاوشهای شوش، دو گل‌نوشته را که خط آنها شبیه خطوط میان‌رودانی نبود، در شوش پیدا کرد که از آن پس با نام گل‌نوشته‌های دوران آغاز ایلامی خوانده شدند. این گل‌نوشته‌ها مربوط به اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم پیش از میلاد بودند<sup>(۳)</sup>. بعدها حدود ۱۴۵۰ عدد از این متون توسط شیل\* مطالعه شده که تعدادی از آنها در سال ۱۹۰۰ به چاپ رسیده و منتشر شدند.<sup>(۴)</sup> اما بسیاری از گل‌نوشته‌های دیگر به دلایل مختلف به دست دانشمندان نرسیده و هرگز منتشر نشدند.

کاوشهای بعد و پژوهشهای باستان‌شناسی در دیگر محوطه‌های دوران آغاز ایلامی نشان داد که این نظام نوشتاری و اعدادی، نه تنها در شوش و محوطه‌های اقماری و کم و بیش نزدیک به آن؛ بلکه در خارج از دشت خوزستان؛ در شهرها و روستاهای وسیعی رایج بوده که محدوده جغرافیایی آن حدود ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع را دربر می‌گرفته است.<sup>(۵)</sup>

این گسترش و وسعت سرزمینهای تحت تأثیر فرهنگ دوران آغاز ایلامی باعث شد تا کوششهای زیادی برای توضیح و توجیه این پدیده و در نتیجه استفاده از نوشته‌های آن، حتی در

محوطه‌های باستانی کوچکی چون تپه بچی، انجام شود. در این میان و برای توضیح چرایی این گستردگی و وسیع فرهنگ دوران آغاز ایلامی نظریات گوناگونی ابراز شده که دو نظریه دارای طرفداران بیشتری بوده است.

نظریه اول بر این عقیده است که وجود مجموعه گل‌نوشته‌ها و مواد و اشیای مرتبط با آنها در خارج از شوش، نتیجه یک گسترش تدریجی فرهنگی بوده و مردم سایر نهرها و روستاها، فکر نوشتن را همراه سایر مواد فرهنگی از سنتهای پیشرفته شوش به وام گرفته‌اند. نظریه دیگر بر آن است که حضور این گل‌نوشته‌ها در مناطقی خارج از دشت شوش، نشان‌دهنده گونه‌ای فعالیت‌های استعماری بوده که از شهر (پایتخت) چه مستقیماً و با اعمال نظرات سیاسی و چه به صورت غیرمستقیم، توسط ایجاد استقرارگاه‌های بازرگانان انجام می‌گرفته است.

اما ظاهراً آنچه بیشتر قابل پذیرش است، آن است که بنا بر پایه مدارک و شواهد باستان‌شناسی احتمال می‌رود که رشد و بخصوص فشار جمعیت در جابه‌جایی گروه‌های انسانی و ایجاد مراکز جدید استقرار، یکی از عوامل این گسترش فرهنگی بوده باشد.<sup>(۶)</sup> نکته مهم و قابل اشاره آن است که بیشتر متونی که تاکنون کشف شده‌اند، آماری-اقتصادی بوده‌اند و بنابراین کمک زیادی به درک وضعیت جوامع موجود در فلات ایران، در هزاره‌های چهارم و سوم پیش از میلاد نمی‌کنند و به همین سبب اطلاعات موجود در آنها برای شناخت مدل‌ها و شکل‌های تاریخی قابل استفاده نیستند.

این اطلاعات یا بسیار کم هستند و یا در حقیقت وجود خارجی ندارند. نکته دیگر آنکه متون این نوشته‌ها و خطوط آنها، تاکنون به درستی کشف و خوانده نشده‌اند؛ بلکه تنها برخی کارهای مقدماتی و از جمله طبقه بندی خصوصیات فیزیکی و شکلی و گرافیکی، که مقدمه تبدیل طبقه بندی ایدئوگرافیکی و عددی موجود در روی این گل‌نوشته‌ها به شکل گروه‌بندیهای معانی کلمات و جملات و قواعد ریاضی (حسابی) هستند، آغاز شده است.<sup>(۷)</sup>

کشف و بررسی این متون را در حقیقت مدیون پژوهش‌های فرانسویان هستیم که طی یکصدسال گذشته به این کار پرداخته‌اند. هر چند باید گفت که نتایج حاصل از این تحقیقات از نظر مطالعات خط‌شناسی و زبان‌شناسی تاکنون به هیچ نتیجه قبل ارائه منجر نشده و تنها کارها و کاوش‌های جدیدتر باستان‌شناسی اجازه تاریخ‌گذاریهای (مجدد) نسبی متون چاپ شده پیشین را

داده است. آماده‌سازی یک بانک اطلاعاتی کامپیوتری از علامتهای موجود، امروزه می‌تواند نوید بازسازی بخشی از بایگانیهای اداری و در نتیجه آشنایی بیشتر با جامعه دوران آغاز ایلامی را در شوش و سایر محوطه‌های باستانی، بدهد.

گفتیم که گل‌نوشته‌های دوران آغاز ایلامی جز از شوش و خوزستان در جاهای دیگری از فلات ایران، همچون یخشهای شرقی کشور نیز به دست آمده‌اند. یکی از این محوطه‌ها که تعداد قابل توجهی از این گل‌نوشته‌ها در آن پیدا شده است، محوطه بسیار بهم تپه یحیی در جنوب کرمان است.

گل‌نوشته‌های تپه یحیی متعلق به دوره IVC هستند. این دوره بسیار کوتاه بکصد ساله از ۲۸۵۰ تا ۲۷۵۰ قبل از میلاد است و پیش و پس از آن در این محوطه، با یک دوره خلاء روبرو هستیم. به این دلیل و چون مواد فرهنگی آن شباهتهای بسیار کمی با دوره‌های پیشین و پسین خود دارد، این دوره یک دوره استقرار موقتی محسوب شده است.<sup>(۸)</sup>

"کارل کلیفورد لمبرگ کارلوفسکی" سرپرست کاوشهای تپه یحیی، در مقدمه‌ای که بر کتاب "دامرو و انگلوند" نوشته<sup>(۹)</sup> به این نکته اشاره دارد که مطالعات انجام شده در تپه یحیی، نشان داده‌اند که دوره آغاز ایلامی در تپه یحیی در پی سقوط استقرارگاههای منطقه‌ای و ازدیاد تعداد استقرارگاههای شبانی ایجاد شده است.

در دوره آغاز ایلامی، مردم تپه یحیی و احتمالاً سایر محوطه‌های شرق ایران، در مدت کم و بیش یک سده از طریق استفاده از گل‌نوشته‌ها، مهرها، مهر و موم کردن انبارها، بکنواخت‌سازی پیمانها و توزین<sup>(۱۰)</sup> با روش مدیریت جدیدی که بیشتر برای آنها ناشناخته بوده است، آشنا شده‌اند.<sup>(۱۱)</sup>

این دوران، چنانکه گفته شد در تپه یحیی کوتاه بود و پس از یک سده متروک شده است. به نظر می‌رسد با توجه به اطلاعات موجود امروزی، وضعیت در شهر سوخته نیز همین گونه بوده، با این تفاوت که بر خلاف تپه یحیی که روستای متوسط و یا کوچکی به‌شمار می‌رفته، شهر سوخته جای بزرگی بوده و با حدود ۱۵ هکتار وسعت، خود شهری بزرگ و مرکزی قابل اعتنا به‌شمار می‌رفته است.<sup>(۱۲)</sup>

دلایل اصلی متروک شدن کلنی‌های دوران آغاز ایلامی در فلات ایران هنوز مبهم است. چه



مردم حامل این فرهنگ بتدریج در مردم محلی مستحیل شده باشند و چه به خانه و سرزمین اصلی خود (خوزستان) بازگشته باشند، هیچکدام دلایل قانع‌کننده‌ای به شمار نمی‌روند؛ اما پیشتر اشاره کردیم که پس از متروک شدن دوره آغاز ایلامی در تپه یحیی، یک دوره خلاء وجود داشته است. از سوی دیگر این نکته مسجل است که دیگر پس از این دوران کوتاه در تپه یحیی، شهر سوخته، حصار (با گل‌نوشته‌های سفید و نانوشته) تپه ملیان و تپه سیلک، تداومی در استفاده از گل‌نوشته‌ها، سفالهای لب واریخته، واحدهای یکنواخت توزین و مهر کردن‌ها دیده نشده و با اینکه مهرهای استوانه‌ای هنوز حضوری کم‌رنگ دارند؛ اما ابزارهای اداری و نظمی که این ابزارها در جامعه پدید آورده بودند، دیگر قابل رؤیت نیستند.

#### علایم موجود بر روی گل‌نوشته‌های دوران ایلامی

بیشتر علایم موجود در متون دوران آغاز ایلامی که شیل و دمکنم و مریجی در انتشارات خودشان<sup>(۱۳)</sup> طبقه‌بندی کرده‌اند، مربوط به انسان، جانوران، تولیدات غلات و اعداد و ارقام هستند. جز از این علایم و نوشته‌ها، در روی گل‌نوشته‌های این دوران آثار مهرهای استوانه‌ای نیز دیده می‌شود. با توجه به شکل علایم و نوشته‌ها و ارقام، این گل‌نوشته‌ها بیشتر در امور مربوط به پرداخت جیره و گرفتن آمار کارگران و محصولات به کار گرفته می‌شده‌اند. این نکته بخصوص از مطالعات دامرو و انگلوند<sup>۱۴</sup> بر روی گل‌نوشته‌های تپه یحیی دانسته می‌شود.

هر چند این گل‌نوشته‌ها وجود ارتباطات بین‌المللی را به خوبی تأیید می‌کنند و بنابراین نشانی از گسترده‌گی فرهنگ آغاز ایلامی و حرکت آن از شوش به نقاط دیگر دارند؛ اما بر اساس نوشته‌های کارلوفسکی، این مطالعات حداقل درباره تپه یحیی تأییدکننده نظریه قدیمی اوست که بر اساس آن مقدار و تعداد علایم و ارقام، اندازه‌ها و آمارهای جانوران و انسانها و اندازه‌گیری گندم و غلات، بدون استثناء در سطح فعالیت‌های محلی بوده است.<sup>(۱۴)</sup> بررسی گل‌نوشته‌های تپه یحیی نشان داده که تولیدات کشاورزی توسط بردگان و یا کارگران سطح پایین انجام می‌گرفته که پس از پایان کار، جیره خود را دریافت می‌داشته‌اند. همچنین به نظر می‌آید که نظام تولیدی بر اساس انجام وظایف اجباری برهگی و بازدهی نیروی کار، که تولیدکنندگان مستقیم (کارگران) مجبور به پرداخت سهمیه و مالیات و خراج بوده‌اند، بنیان گذاشته شده بوده است.

گفتیم که علایم موجود در روی متون، تقریباً منحصر به علایم و نشانه‌های انسان، جانور، غلات و ارقام و اثر مهرها بوده است و علایم مربوط به منابع طبیعی، معدنی محلی، فلز، ظروف سنگی و غیره در این گل‌نوشته‌ها غایب هستند. این نکته می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که جامعه دوران آغاز ایلامی با تولیدات کوچک و جزئی؛ یعنی نوعی سرمایه‌داری کوچک، خود را مشغول نمی‌ساخته و بیشتر تولید "کلان" را در نظر داشته است و از طرف دیگر، وجود احتمالی نظام بردگی و دادن جیره به جای پرداخت مزد، به معنای عدم حضور و اعتبار حقوق و مزد آزاد کارگری بوده است.

با آنکه مطالعات گل‌نوشته‌های تپه یحیی درباره نظام‌های حسابداری و رقیمی، بسیار قابل توجه هستند؛ اما همین گل‌نوشته‌ها درباره ارتباطات جامعه تپه یحیی، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، با مراکز سیاسی خارجی خاموشند. اشاره کردیم که این گل‌نوشته‌ها همراه مهرها: اشیای شمارشی و کاسه‌های لب واریخته، ابزارهای کنترل اداری بوده‌اند که در سرزمین وسیعی از شرق ایران تا شمال سوریه مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند؛ اما مشکل اساسی آن است که به سختی می‌توان وجود یک مدیریت شهری کنترل را در نقاط کوچکی چون تپه یحیی نیز توجیه کرد؛ مگر آنکه این روستاهای کوچک خود بخشی از یک واحد سیاسی - اداری بزرگتری بوده باشند و مثلاً یحیی را بخشی از یک شهر مرکزی بزرگتر، مانند ماراهاشی<sup>(۱۵)</sup> به حساب بیاوریم.<sup>(۱۶)</sup>

این نکته اگر در تپه یحیی صادق باشد، در شهر سوخته صادق نیست؛ زیرا این شهر عظیم به دلایل زیاد که در جاهای دیگری به آن اشاره کرده‌ایم، خود مرکز ایالتی بوده است که در حال حاضر از نام آن بی‌خبریم.<sup>(۱۷)</sup> در هر صورت به دلایل متعدد در شهر سوخته انتظار یافته شدن خطوط و نوشته، چه از دوران آغاز ایلامی و چه از دوره‌های دیگر، انتظاری نابجا و نادرست و غیرممکن نیست و این امید هست که ادامه کاوش و بررسی در این محوطه عظیم، منجر به پیدا شدن بایگانی احتمالی، اقتصادی و تولیدی (مانند شوش و تپه یحیی) و یا سازمان سیاسی و اداری شهر گردد.

گفتیم که در شهر سوخته، در حال حاضر تنها یک گل‌نوشته از نوع آغاز ایلامی پیدا شده است.<sup>(۱۸)</sup> این گل‌نوشته در میان خاکها و زیاله‌های موجود در گوشه شمال شرقی اتاق شماره ۲۹۳ و در حدود ۱۰ سانتی متر بالاتر از کف این اتاق، در کنار تعداد کمی اثر مهرهای استوانه‌ای افتاده

بود. طبقه دهم استقرار در شهر سوخته، که این گل نوشته به آن تعلق دارد، قدیمی ترین طبقه استقرار در شهر سوخته به شمار می رود. (۱۹)

به جز این آثار، بقیه اشیای پیدا شده در این مرحله از استقرار، ربطی به تمدن و فرهنگ دوران آغاز ایلامی نداشته اند. (۲۰) ذکر این نکته ضروری است که شهر سوخته شاید تنها محوطه شناخته شده در شرق ایران باشد که در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد، به صورت همزمان دارای آثاری از فرهنگهای شمالی (۲۱)، شرقی (۲۲) و غربی (۲۳) بوده و این تأییدی است بر آنچه نویسندگان این سطور پیشترها و در موقعیت های گوناگون به آن اشاره داشته و گفته است که شهر سوخته مرکز تلاقی فرهنگها و گروه های مختلف انسانی در اواخر هزاره چهارم و در طول هزاره سوم پیش از میلاد بوده است.

برخی از نمونه های ارتباطی این شهر، با استقرارگاه های نامبرده شده بالا در شهر سوخته به خوبی عیان و قابل ملاحظه هستند؛ در حالی که سفال و پیکره های کوچک گلی این جا، مشخصاً مرتبط با دوره سوم نمازگاه در شمال خراسان و یا جنوب ترکمنستان و کوئته پاکستان است. مهرها و اثر مهرهای موجود در روی مهر و اتاقها، به راحتی می توانند با لایه های شماره ۱۳ تا ۱۶ شوش و آکروپولیس مرتبط شناخته شوند.

منطقه مسکونی شرقی، که آثار مرحله دهم استقرار از دوره اول شهر سوخته در آنجا پیدا شده است، در ۸۰ متری لبه شرقی شهر قرار دارد. بررسیها و کاوشهای انجام شده در جاهای دیگر شهر سوخته نشان داده اند که جز این قسمت از شهر، در بخشهای دیگر آن، آثار (و در این مورد سفال) کهن تر از طبقه هفتم استقرار (حدود ۲۸۰۰ پیش از میلاد) دیده نشده است. (۲۴) همین بررسیها نشان داده است که وسعت این قسمت از شهر در این دوره بین ۱۰ تا ۱۵ هکتار؛ یعنی بسیار بزرگتر از شهرهای عادی اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم پیش از میلاد بوده است.

در میان نمونه های سفالی پیدا شده از این طبقه استقرار در شهر سوخته می توان به سفالهای منقوش اشاره کرد که در میان آنها سفالهای منقوش به خطوط شطرنجی و سفالهای دو رنگ با نقوش مثلثها و مربعها، قابل مقایسه با دلتای تجن و نمازگاه III دیده می شود. در میان همین مجموعه سفالهای طبقه دهم، یک نوع سفال منقوش منطقه ای نیز وجود دارد که در نام محدودده فرهنگی حوزه هیرمند و از جمله بلوچستان پاکستان نیز دیده شده است و به نام سفال کوئته

شناخته می‌شود.<sup>(۲۵)</sup> همین طور سفالهای خاکستری رنگ گونه بوقی (تروپتی شکل) از گونه‌ای که در دوره‌های IVB و IVC تپه یحیی و در لایه‌های دوران آغاز ایلامی آن دیده شده است که نشانی از ارتباط با غرب هستند و به همین ترتیب سفالهای رنگی نوع نال<sup>(۲۶)</sup> که نشانی از ارتباطات نزدیک این شهر با محوطه‌های شرقی می‌باشد.

ذکر این نکته نیز لازم است که سفال محوطه نال، به خوبی مطالعه نشده است و از نظر گاه‌نگاری دچار اشکالات و ایرادات بسیار است و در هر صورت آمبه و توزی، تاریخ حضور این سفال در شهر سوخته را بین ۳۰۰۰ تا ۲۶۰۰ پ.م. می‌دانند.<sup>(۲۷)</sup>

### گل نوشته شهر سوخته

این گل نوشته همراه گروه کوچکی از مهرها و اثر مهرها پیدا شده است. پیدا شدن این گل نوشته در طبقه دهم استقرار شهر سوخته، شاید نشان‌دهنده آن باشد که پایه‌گذاری شهر سوخته نتیجه برخورد و گسترش تمدنهای محلی آسیای مرکزی و بخشی از فرهنگهای آغاز ایلامی غربی بوده است. این اتفاق در دو سده آخر هزاره چهارم؛ یعنی در زمانی که ارتباطات بازرگانی بین میان‌رودان و مشرق‌زمین، تقریباً استوار شده بوده، روی داده و به نظر می‌رسد که نظام نوشتاری سیستانی، که نظامی غربی بوده در ارتباطات با شمال خراسان یا جنوب ترکمنستان بی‌تأثیر نبوده است.<sup>(۲۸)</sup> "پیر آمیه" در مطالعات خود درباره مهرهای قدیمی شهر سوخته به این نتیجه رسیده است که کهن‌ترین نوع مهر استوانه‌ای قابل تاریخ‌گذاری این شهر، که مربوط به طبقه‌های نهم و دهم استقرار؛ یعنی ۳۱۰۰-۳۲۰۰ پ.م. می‌باشد، با مهرهای گونه جمدت نصر شباهتهایی دارند.<sup>(۲۹)</sup> در میان این مهرها یک نمونه وجود دارد که دقیقاً متعلق به ایلام<sup>(۳۰)</sup> بوده است<sup>(۳۱)</sup>

نمونه یک مهر استوانه‌ای با نقش جانور نیز در شهر سوخته یافت شده که متعلق به دوره آغاز ایلامی است و همچنین تعدادی قطعات اثر مهر در روی گل خام دیده شده است که دارای همین خصوصیت می‌باشند. در روی برخی از این اثر مهرها که در روی درهای ظروف پیدا شده‌اند، اثر لبه و گردن ظرف و اثر طناب کشیده شده در روی گل خام برای مهر کردن ظروف نیز دیده می‌شود که با مهرهای مسطح و یا استوانه‌ای مهر شده‌اند<sup>(۳۲)</sup> و این خود تأیید دیگری بر آن است که از گل نوشته و مهرها برای تکمیل ثبت وضعیت، کنترل و توزیع مواد در اواخر هزاره چهارم استفاده



می شده است. این روش، در این دوره از تاریخ، از سرزمینهای اطراف رودخانه فرات در شمال سوریه تا دشتهای رسوبی اطراف هیرمند، در سیستان به همین شکل رایج بوده است. گل نوشته شهر سوخته تقریباً مستطیل و یا در حقیقت ذوزنقه است و شبیه به بالشتی صاف است که نمونه‌های آن در شوش ۱۳ تا ۱۶ دیده شده و از گل خام درست شده است. شکل این گل نوشته مانند گل نوشته‌های سنتی دوران آغاز ایلامی است که دارای دو علامت کننده شده در سمت راست و پنج علامت معادل رقم ۵ در سمت چپ این علامتهاست. اندازه‌های این گل نوشته کوچک ۳۶ در ۳۶ در ۵۴ میلی متر است.

پرفسور "پیرو مریجی" که گل نوشته شهر سوخته را مطالعه کرده، نتایج بررسیهای خود را چنین آورده که این نوشته از چپ به راست و در یک سطر و در روی یک طرف لوحه نوشته شده است. نخستین علامت موجود از سمت راست، شبیه علامت h ۳۲۲ است<sup>(۳۳)</sup> که در شوش در روی سه گل نوشته دیده شده است.

این علامت در شوش دوبار به مثابه یک شکل مستقل که عدد ۱ (یک) بعد از آن آمده است و یک بار نیز همراه گروهی از علامتها<sup>(۳۴)</sup> ملاحظه گردیده که از نظر ایدئوگرافیکی نماینده یک درخت و یا یک شاخه و ساقه است. علامت دوم بسیار صدمه دیده و غیر قابل شناسایی است. پس از این علامتها، پنج علامت که نماینده رقم ۵ هستند، دیده می شود که به صورت استاندارد شوشی نوشته شده است. در هر حال، نمی توان گفت که دو علامت اولیه، نشانه یک کالا و یا یک بنگاه (شخص) و یا هر دوی آنها بوده اند.<sup>(۳۵)</sup> در پایین این نوشته‌ها و علایم، مانند سایر گل نوشته‌ها اثر مهری استوانه‌ای دیده می شود.

بررسی دقیق این گل نوشته نشان می دهد که آن را پیش از نوشتن مهر کرده بودند<sup>(۳۶)</sup> و اثر محو شده مهر استوانه‌ای در روی آن دیده می شود. اما به نظر می آید که ماده اصلی گلی آن در هنگام مهر شدن، هنوز بسیار نرم و مرطوب بوده؛ زیرا اثر دست مهرکننده نیز در روی آن باقی مانده است. در حقیقت ترجمه متن موجود در روی این گل نوشته، اگر بتوان واژه "ترجمه" را برای کشف این علایم به کار برد، به شرح زیر می شود:

(علامت اول = نام کالا یا شخص + علامت دوم = ناخوانا + علامت سوم شامل یک گروه از پنج

علامت = ۵).

## منابع و یادداشتها

- ۱- پروتو ایلامی *proto-elamite* اصطلاحی است برای تأمین دوره‌ای از استقرار در خوزستان. این دوره در شوش در طبقات ۱۶ تا ۱۶B و احتمالاً قسمتی از ۱۷A و در تپه یحیی *IVC* و سیلک *IV.2* دیده شده و آن را می‌توان بین ۳۰۵۰ تا ۲۹۰۰ پیش از میلاد تاریخ‌گذاری کرد. این دوره در بین‌النهرین معمولاً با دوره‌های جمدت نصرانوروک *III* و دوره اول سلسله‌های اولیه بین‌النهرین مطابقت داده می‌شود. در این دوره کهن‌ترین مدارک نوشته شده، چه به صورت علائم عددی و چه به صورت علائم ایدیوگرافیک، یافت شده‌اند که بعداً به شکل نوشتاری درآمده و مقدمه (و پیشرو) زبان ایلامی کهن در حدود ۲۳۰۰ پیش از میلاد بوده است. به نظر دامرو و انگلوند، این نظریه‌ای بسیار ضعیف است و این اصطلاح را امروزه تنها باید به معنای قراردادی آن پذیریم (*Damerow&Englund, Note 2, P.1*) بنا به نظر دکتر یوسف مجیدزاده، اصطلاح فارسی "آغاز ایلامی" ترجمه‌ای مناسب برای *proto-elamite* نیست و بهتر است از اصطلاح ایلامی مقدم استفاده شود؛ اما از آنجا که اصطلاح آغاز ایلامی، شاید به صورت غلط مصطلح تا حدودی در نوشته‌های باستان‌شناسی ایران جا افتاده است، ما نیز در این مقاله از اصطلاح مربرور استفاده کرده‌ایم.
- ۲- ۱۹۷۵ میلادی.

3-; *Damerow, p. and P.K.Englund 1989=The Proto- Elamite texts from Tepe Yahya. With an Introduction by C.C.Lamberg-Karlovsky. Peabody Museum of Archaeology and Ethnology. Harvard University, Cambridge, Massachusetts, 1989.*

4- *Scheil, V. 1900 = Textes elamites- semitiques (=MDP2) paris 1900.*

*Scheil, V. 1905 = Documens en ecriture proto - elamite (=MDP6), Paris 1905.*

*Scheil, V. 1923 = Textes de compabilité proto- elamies (=MDP17), Paris 1923.*

*Scheil, V. 1935 = Textes de compabilité proto- elamies (=MDP26), Paris 1935.*

5- *Damerow&Englund, cit:3.*

6- *Ibid, 3-4.*

7- *Ibidem.*

8- Beale W.T and C.c Lamberg 1986=Excavations at Tepe Yahya,Iran 1967-1975. The Early Period.

American School of Prehistoric Research Bulletin 38. Peabody Museum of Archaeology and Ethnology Harvard University.

این مرحله از استقرار در تپه یحیی، بیشتر با نام دوره آغاز ایلامی خوانده شده و تاریخ آن بین سالهای ۲۴۰۰ تا ۳۰۰۰ پیش از میلاد تعیین شده گردیده است. درباره این مرحله از استقرار به جز مأخذ بالا همچنین نگاه کنید به:

Lamberg-Karlovsky,1971:87;Lamberg-Karlovsky&Tosi,1973.

9- Lamberg-Karlovsky,C.c 1989= "Introduction' Damerow, peter and Robert K.Englund, DThe

proto- Elamite texts from Tepe Yahya. With an Introduction by C.C. Lamberg- Karlovsky.

Peabody Museum of Archaeology and Ethnology. Harvard University, Cambridge,

Massachusetts, 1989.

۱۰- به هر حال در دوره‌های پیش و بعد از دوران آغاز ایلامی نیز تلاشهایی برای استفاده از برخی از علائم و ابزارهای شمارشی در نقاط دیگر انجام گرفته است. مرحوم دکتر محمد صالح صالحی امکان استفاده از وجود اشیا و ابزار شمارشی در تپه زاغه قزوین را متفی نمی‌داند (نگاه کنید به: محمد صالح صالحی، احتمال وجود اشیا شمارشی در تپه زاغه: صص ۲۵۸-۲۴۹) به همین ترتیب و در دوره‌ای بعد از دوران آغاز ایلامی تپه یحیی در شهداد کرمان نیز ابزار و وسایل شمارشی دیده شده‌اند. میر عابدین کابلی سرپرست کاوشهای شهداد نوشته است: "...در یک مورد که چند ظرف در درون هم قرار گرفته بودند، در کنار پایه یک ظرف، علامت ۱ کنده شده بود و در کنار پایه ظرف بزرگتر نشانه ۱۱ دیده شد و در کنار سومین ظرف و بزرگتر از دو ظرف دیگر به نشانه ۱۱۱ برخورد شد. در روی ظرف چهارم که بزرگتر بوده این نشانه کنده شده بود: (کابلی، شهداد، ص ۷۴) میر عابدین کابلی بطور شفاهی برای نویسنده این سطور تعریف کرده است که وی حجم داخل این ظروف را اندازه‌گیری کرده و دریافته است که ظرف دوم با علامت ۱۱ و در برابر ظرف اول با علامت ۱ حجم داشته و ظرف سوم با علامت ۱۱۱ سه برابر ظرف اول و بالاخره حجم بزرگترین ظرف، چهار برابر ظرف اول بوده است.

11-Karlovsky,1989:IX.

۱۲- کار تحقیق در شهر سوخته در حال حاضر بسیار ناقص است و در هر صورت در این زمینه

تفاوت‌های بسیار اساسی با تپه یحیی دارد. دوره استقرار آغاز ایلامی در شهر سوخته، چنانکه در همین مقاله اشاره شده، همزمان با وجود آثار فرهنگی و تمدنی آسیای مرکزی و دشت سند است و بنابراین بسیاری از مقولات مورد بحث کارلوفسکی درباره تپه یحیی، در مورد شهر سوخته نمی‌تواند صادق باشد؛ زیرا شرایط اجتماعی، جغرافیایی و شهری این شهر با تپه یحیی متفاوت بوده است. اما این دو محوطه حداقل در یک زمینه دارای نقطه اشتراکی با یکدیگر بوده‌اند و آن عبارت است از کوتاه بودن زمان استفاده از فرهنگ دوران آغاز ایلامی شوشی که در شهر سوخته نیز ظاهراً از زمان مرحله ۷ استقرار و آغاز دوره دوم از دوره‌های چهارگانه آن دیگر از این فرهنگ خبری نیست و شهر دارای خصوصیات دیگری می‌شود.

13-Scheil, V. 1900, 1905, 1923, 1935 *Mecquenem, R. de. 1949; Epigraphie proto-elamite (=MDP 31)*

*Paris 1949 Meriggi, p. 1971-1974 = La scrittura proto elamite I-III Roman 1971-1974.*

*Mecquenem, R. de. 1949 = Epigraphie proto-elamite (=MDP 31), Paris 1949.*

*Meriggi, p. 1971-1974 = La scrittura proto- elamite I-III. Roman 1971-1974.*

14-Karlovsky, 1989: X.

۱۵- تعدادی از دولت شهرهای متون سومری، در بخشهای شرقی و جنوب شرقی ایران جای داشته‌اند که در میان آنها می‌توان به ارتا، ماراهاشی و ملوخوا اشاره کرد. در مورد رتا نگاه کنید به: یوسف مجیدزاده: "سرزمین آراتا": صص ۱ تا ۵ و کابلی: "شهادت مرکز ایالت آراتا؟" ص ۵۰ و ۶۲ و درباره ملوخوا و ماراهاشی نگاه کنید به:

*Steinkeller, p. 1982 = "The Question of Marahasi: A Contribution to the Historical Geography of Iran in the Third Millennium B.C.": Zeitschrift fur Assyriologie 72: 237-265.*

16-Karlovsky 1989: XI.

۱۷- هانسن شهر سوخته را مطابق با ایالت ارتا دانسته است؛ اما مجیدزاده این نظریه را رد کرده است. نگاه کنید به مجیدزاده، مقاله مورد اشاره در شماره ۱۵.

۱۸- به جز این گل نوشته برخی دیگر از علایم دوران آغاز ایلامی در روی پیکره گلی یک گاو نیز تعداد بسیار زیادی از علامت‌های معروف به علامت سفالگران در روی سفالهای شهر سوخته پیدا شده است. این علایم هم‌اکنون در دست مطالعه می‌باشند و نتایج آن بزودی منتشر خواهد شد.



۱۹- منظور همان دوران آغاز ایلامی است. ذکر این نکته لازم می‌نماید که تاریخهای ارائه شده برای چهارمین دوره استقرار در شهر سوخته هنوز کامل و قطعی نیست. بیشترها با توجه به مقایسه وضعیت معماری و سفال این دوره، پایان آن در سال ۱۸۱۰ پیش از میلاد تعیین شده است؛ اما بعداً و با مطالعه و بررسی بیشتر، تاریخ پایان سکونت در شهر سوخته به سال ۲۰۰۰ و حتی گاهی ۲۱۰۰ پیش از میلاد رسیده است. وضعیت طبقه (مرحله ۵) استقرار در شهر سوخته نیز امروزه مشخص‌تر است و این طبقه خود به دو زیر مرحله A و B تقسیم شده است. این تقسیم‌بندی بر اساس مطالعه سفالهای این طبقه از استقرار صورت گرفته است و در هر حال با توجه به کاوشهای جدید انجام شده توسط گروه باستان‌شناسان ایرانی سازمان میراث فرهنگی کشور می‌توان امیدوار بود که تاریخ‌گذاری نسبی شهر سوخته در آینده نزدیک به صورت کاملتری ارائه شود. جدول گاهنگاری شهر سوخته با توجه به آخرین مطالعات به شرح زیر است:

دوره	طبقه	تاریخ	شرح	وسعت
IV	صفر	۲۱۰۰	لایه‌های جدید با دوره بعد از شهرنشینی	۵ هکتار
	۱	۲۲۰۰-۲۱۰۰		
	۲	فاند ذغال		
III	۳	۲۴۰۰-۲۳۰۰	لایه‌های دوران آغاز دولت-شهر	۴۵ هکتار
	۴	۲۵۰۰-۲۴۰۰		
II	۵	۲۶۰۰-۲۵۰۰	لایه‌های آغاز دوران شهرنشینی	۸۰ هکتار
	۶	۲۷۰۰-۲۶۰۰		
	۷	۲۷۰۰		
I	۸	۳۰۰۰-۲۸۰۰	لایه‌های دوران آغاز نگارش	۱۵/۵ هکتار
	۹	-		
	۱۰	۳۲۰۰-۳۰۰۰		

20-Tesi, M1976="Shahr-i Sukhta":Iran 14 (1976):167-168.

۲۱- محوطه‌های موجود در ترکمنستان از جمله قره تپه، نمازگان، گیوکیور.

۲۲- موندیگاک در قندهار افغانستان، امری، نال و سایر محوطه‌های موجود در اطراف کویته در بلوچستان پاکستان.

۲۳- مهره‌های استوانه‌ای و گل‌نوشته آغاز ایلامی شوشی.

24-Amiet P. and M.Tosi 1978="Phase 10 at Shahr-i Sukhta Excavations is Square XDV and the Late 4th Millennium BC Assemblage of Sistan "East and West 28(1978):9-31.

25-piggott I, S. 1964=India preistorica. Biblioteca Modernatori, Verona.

26-Ibid,76-80.

27-Amiet&Tosi,cit.:21-23.

28-Ibid:22.

29-Amiet,P.1983="The Archaic Glyptic at shahr-i Sukhta (period I)":M.Tosi(ed). Prehistoric Sistan 1 IsMeo Rome 1983:199-210.

۳۰- واژه ایلام در متون میخی میان رودانی با سومری گرام *NLM* آمده است که شاید آن را بتوان به معنای کلی و عمومی "سرزمین مرتفع" گرفت و این می‌تواند معنایی باشد که ساکنان بابلی سرزمینهای رسوبی بین‌النهرینی به آن داده باشد. اما شکل بومی و ایلامی این واژه *Ha(1)tamti* که هیتز آن را سرزمین خدایان معنا کرده که مشتق از *hal* و *tam* (به معنای بخشنده) ارباب و خدا می‌داند. ایلام می‌تواند یک شکل آکادی باشد که معنای اصطلاح مشترک سومری و ایلامی تأثیر پذیرفته از *elum* به معنای "بلند بودن" را داشته باشد. نگاه کنید به:

Damerow&Englun,cit.:1,note1.

۳۱- درباره مهرهای شهر سوخته، به جز مطالعات پیر آمیه، همچنین نگاه کنید به کار سوزان باغستانی ۱۹۹۷ اشاره شده در کتابشناسی.

32-Amiet&Tosi,cit.:25.

33-Meriggi,1974.

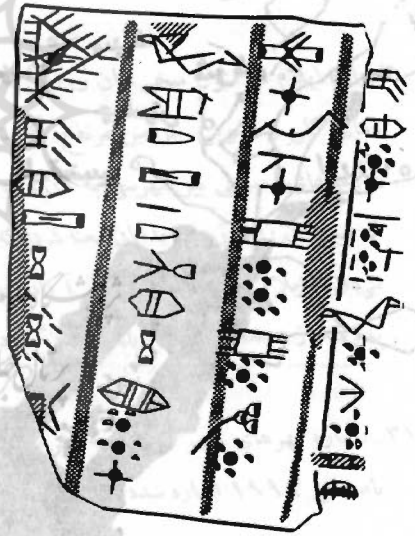
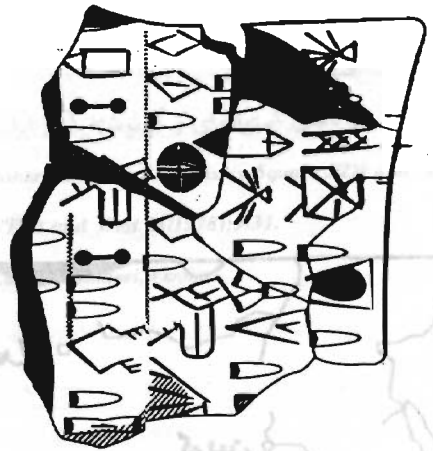
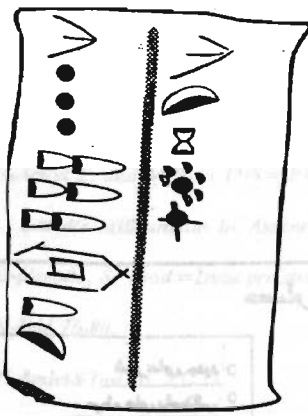
۳۴- منبع شماره ۳۲.

35-Amiet&Tosi,cit.:24;Meriggi,1977:1-4.

۳۶- در حقیقت یک برگه سفید و نانوشته را مهر کرده‌اند.

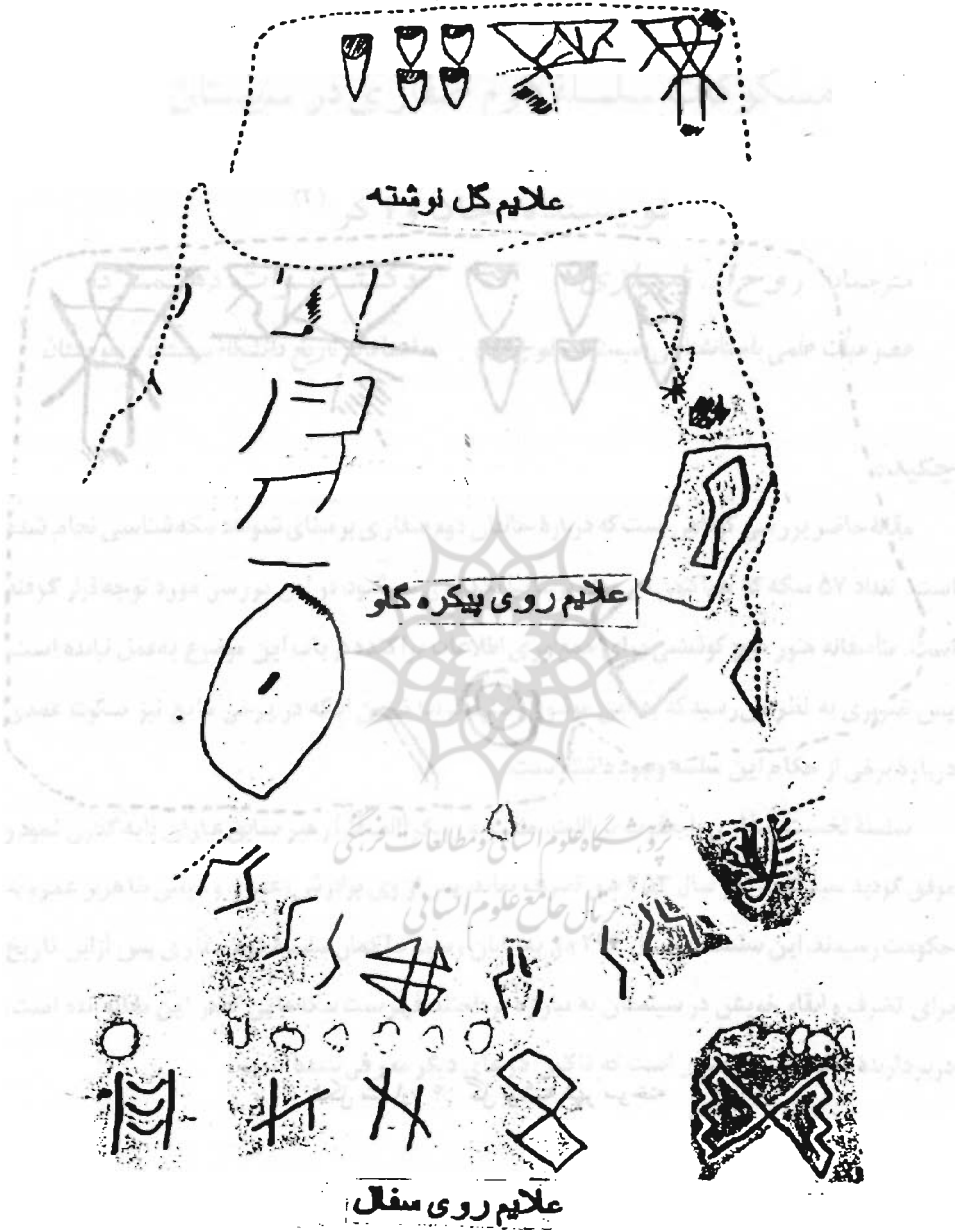


شکل شماره ۱: محوطه های دوران آغاز ایلامی در ایران

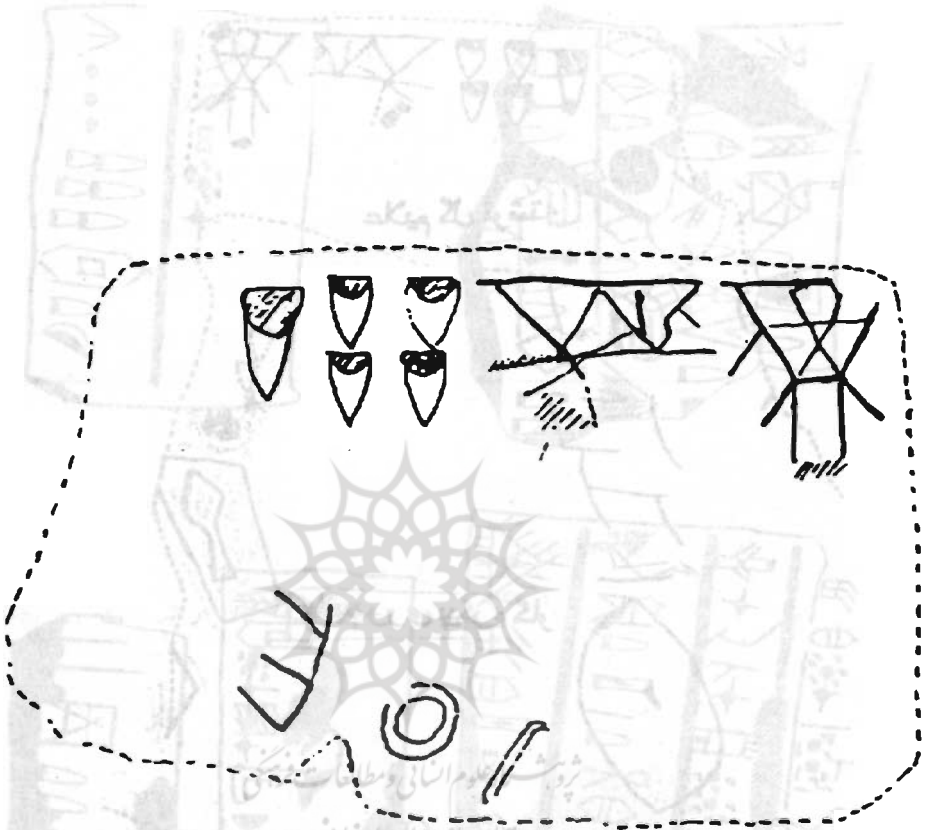


شکل شماره ۲: نمونه گل نوشته های تپه یحیی





شکل شماره ۳: علامت موجود در روی برخی از اشیاء شهر سوخته



شکل شماره ۴: گل نوشته شهر سوخته